

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث ما در اصل پنجم بود؛ که آیا در فهم ادله عرف مردم مرجعیت دارد یا فهم فقیه متضلع؟ دیروز کلام برخی از قداماء را مطرح کردیم و اشکال شیخ انصاری را به قداماء بیان نمودیم. استاد علیدوست: به نظر ما اشکال دقیق تر است و جواب شیخ انصاری کافی نمی باشد.

یکی از کسانی که در اینجا صحبت دارد مرحوم اصفهانی است و بیان کلام ایشان بعد از بیان نکته می آید.

نکته: در اول رسائل این بحث مطرح بود ان المکلف اذا التفت الی حکم شرعی... در اینجا اصولیین بحث می کنند که مراد شیخ انصاری از مکلف کدام مکلف است؟ اگر بگویید مکلف اعم از مجتهد ومقلد است یک محذور دارد؛ یعنی رسائل هم برای مجتهد نوشته شده وهم مقلد. در حالی که رسائل برای مقلد نیست. واگر بگویید مراد از مکلف فقط مجتهد است باز هم یک محذور دارد؛ بیان محذور: حال اگر مقلد یقین کرد تکلیفش چیست؟

در اول جلد 2 کفایه هم رگه های از بحث ما است: احکام واقعی داریم و ظاهری بعد می فرماید متعلق به و (بمقلدیه...) بعد می گویند معلوم می شود مراد از مکلف، مجتهد بوده است به قرینه (بمقلدیه).

محقق اصفهانی می فرماید: اینکه استاد ما (آخوند) مجتهد را محور قرار داده به خاطر این است که موضوع احکام ظاهری و مخاطب خداوند در ادله، مجتهد است. در اقیموا الصلاة که حکم واقعی است مخاطب همه هستند (اعم از مجتهد ومقلد) اما مخاطب احکام ظاهری مجتهد است مانند: ان جائکم نباء فتابوا... خذ بما اشتهر بین اصحابک... برای مجتهد است نه مقلد. پس از کلام ایشان بر می آید که مخاطب نصوص، فقیه متضلع است نه عرف عام.

اشکال: اگر قرار باشد مخاطب ادله مجتهدین باشند آیا دیواری بین مجتهدین ومقلدین گذاشته نمی شود؟ مگر مفاد خبر واحد، مفاد خبرین متعارضین و... برای مقلد نیست! اگر شما می گوید مخاطب ادله مجتهدین هستند پس مفاد این ادله هم فقط باید برای خودشان باشد...

مرحوم اصفهانی پاسخ می دهد: نگران نباشید ما به برکت ادله اجتهاد و تقلید پاسخ می دهیم ادله اجتهاد و تقلید اقتضاء دارد که مجتهدین به نمایندگی از مردم فتوا دهند و مجتهد به منزله مقلد باشد و مجتهد ظن مقلد را می گیرد و فتوا می دهد و لذا به برکت ادله اجتهاد و تقلید مشکل حل می شود و هر دو از مفاد ادله استفاده می کنند.

نیز از کسانی که در کلامشان رگه هایی از بحث ما وجود دارد، جناب سید صاحب عروه است؛ صاحب عروه زیاد نوشته ندارد اما آنچه که دارد ارزشمند است و قابل استفاده؛ از جمله کتب ایشان حاشیه رسائل است که تازه به بازار آمده است؛ ایشان با اشاره به کلمات اصفهانی دو اشکال به ایشان می گیرد: بیان اشکال: سید می فرماید اگر مجتهد نازل منزله مقلد است آیا مجتهد در واقع مطابق ظن مقلد اجتهاد می کند یا ظن خودش؛ قطعاً به ظن خودش عمل می کند.

نکته دیگر: سید یزدی اگر در باب اجتهاد و تقلید تنزیل را بیاورید با محذوری مواجه می شود که احدی آن محذور را نمی پذیرد، بیان محذور: اگر یک جایی مقلد و لو بحسب ادعای خودش، خود را اعم از مجتهد بداند ولو در مبادی اجتهاد این مقلد نباید تقلید کند و باید تبعیض در مبادی اجتهاد قائل شویم و تبعیض در مبادی اجتهاد لم یقل به احد و لا یمكن التزم به.

استاد علیدوست: ما در آیه تیمم داریم که (ان لم تجدوا ماء فتميموا صعيدا طيبا) مجتهدین از این آیه استفاده می کنند و می فرمایند اگر کسی آب ندارد تیمم کند؛ بعد بحثی مطرح می شود آیا فقط به روی زمین تیمم کند یا به سنگ های معدنی هم می تواند تیمم کند؟ ما باید به چند اصل اجتهادی باید توجه کنیم:

1: مراد از لم تجدوا چیست؟ فقهاء می گویند کسی که آب نداشته باشد؛ یا آب برایش ضرر داشته باشد.

2: فتیمموا: فقهاء وجوب تیمم را استفاده کرده اند استفاده وجوب متوقف بر دو مساله اجتهادی است.

الف : امر ظهور در وجوب دارد.

ب : ظاهر قرآن حجت است.

3: صعید چیست؟ وجه الارض است یا بطن الارض را هم شامل می شود؟

اگر مقلدی اصول نخوانده باشد نمی تواند در مورد (لم تجدوا) اظهار نظر کند اما اگر لغت خوانده باشد بهتر از مجتهد می داند

که صعید وجه الارض است یا بطن الارض را هم شامل می شود.

در این صورت ما اگر بگوییم در دو سوال اول تقلید کند اما در سوال سوم چون خودش اعلم است تقلید نکند این می شود

تبعیض در مبادی اجتهاد. اگر بحث تنزیل است در این جور موارد ما باید بگوییم مقلد تقلید نکند در حالی که تبعیض در مبادی

صحیح نیست.

استاد علیدوست: از کجای ادله تقلید تنزیل استفاده می شود محقق اصفهانی؛ اما آقای سید یزدی: اگر بحث تقلید، رجوع جاهل

به عالم است چرا باید مقلد به مجتهدی که از خود مقلد پایین تر است رجوع بکند.

بله اگر ماهیت تقلید رجوع جاهل به عالم نباشد مساله جور دیگری می شود.

**الحمد لله رب العالمین**